

بررسی عناصر داستانی در آثار فریبا کلهر بر پایه نظریه گفتمان لاکلا و موفه

محبوبه شیرگردون^۱، محمود صادق زاده^۲، هادی حیدری نیا نائینی^۳

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

چکیده

تحلیل عناصر داستانی در آثار نویسندگان، دریچه‌ای به فهم عمیق‌تر سبک، نگرش و دلالت‌های گفتمانی آن‌ها می‌گشاید. پژوهش حاضر به طور خاص به بررسی عناصر داستانی در آثار فریبا کلهر با اتکا بر نظریه گفتمان لاکلا و موفه می‌پردازد. این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، مؤلفه‌هایی همچون شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، پیرنگ، لحن، گفت‌وگو و زاویه دید را در دو کتاب «هوشمندان سیاره اوراک» و «من و درخت پنیر» تحلیل و نقش آن‌ها را در شکل‌دهی و انتقال پیام‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی برجسته می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کلهر با بهره‌گیری از فضاهای تخیلی، شخصیت‌های نمادین و روایتی چندلایه، به طرح مسائلی نظیر محیط‌زیست، فناوری، اخلاق مدرن و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌پردازد و ضمن نقد گفتمان مصرف‌گرایی، کودک را به تأملی فلسفی و اخلاقی درباره‌ی جهان پیرامون فرا می‌خواند. یافته‌ها بیانگر آن است که کاربست هوشمندانه عناصر داستانی در آثار کلهر، آن‌ها را در ردیف ادبیات فلسفه برای کودک جای می‌دهد و زمینه‌ساز تقویت اندیشه انتقادی، پرورش حس مسئولیت نسبت به طبیعت و ارتقای آگاهی اجتماعی در مخاطب کودک و نوجوان می‌شود.

کلیدواژه‌گان: تحلیل گفتمان، عناصر داستانی، فریبا کلهر، مضامین تعلیمی، ادبیات کودک.



شیوه استناددهی: شیرگردون، محبوبه، صادق زاده، محمود، و حیدری نیا نائینی، هادی. (۱۴۰۵). بررسی عناصر داستانی در آثار فریبا کلهر بر پایه نظریه گفتمان لاکلا و موفه. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۴)، ۱-۱۷.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۳ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۲۰ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

Examining Narrative Elements in the Works of Fariba Kalhor Based on Laclau and Mouffe's Discourse Theory

Mahboobeh Shirgerdoon¹, Mahmoud Sadeghzadeh^{1*}, Hadi Heidariniya Naeeni¹

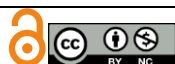
1. Department of Persian Language and Literature, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran

*Corresponding Author's Email: sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

Abstract

Analyzing narrative elements in the works of authors provides a gateway to a deeper understanding of their style, worldview, and discursive implications. The present study specifically examines the narrative elements in the works of Fariba Kalhor through the lens of Laclau and Mouffe's discourse theory. Employing a descriptive-analytical approach and relying on library-based research methods, this study analyzes components such as characterization, setting, plot, tone, dialogue, and point of view in the two books *The Wise Ones of the Planet Orak* and *The Cheese Tree and I*. It further highlights the role of these elements in shaping and conveying ethical, cultural, and social messages. The findings indicate that Kalhor utilizes imaginative settings, symbolic characters, and multilayered narratives to address issues such as environmental concerns, technology, modern ethics, and social responsibility. While critiquing the discourse of consumerism, she simultaneously invites child readers to engage in philosophical and ethical reflection on the world around them. The results further demonstrate that the skillful application of narrative elements in Kalhor's works places them within the domain of philosophy for children literature and contributes to the development of critical thinking, the cultivation of environmental responsibility, and the enhancement of social awareness among child and adolescent readers.

Keywords: *Discourse Analysis, Narrative Elements, Fariba Kalhor, Didactic Themes, Children's Literature.*



How to cite: Shirgerdoon, M., Sadeghzadeh, M., & Heidariniya Naeeni, H. (2026). Examining Narrative Elements in the Works of Fariba Kalhor Based on Laclau and Mouffe's Discourse Theory. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(4), 1-17.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 April 2026

Revise Date: 10 June 2026

Accept Date: 15 June 2026

Initial Publish: 06 August 2026

Final Publish: 22 December 2026

مقدمه

داستان یکی از مهم‌ترین قالب‌های ادبی است که تحلیل ساختار و محتوای آن می‌تواند نگرش مخاطب را عمیقاً تغییر دهد. رمان و داستان فارسی، در گذر زمان با دگرگونی‌های گسترده همراه بوده و بازتاب‌دهنده جریان‌های فکری و تحولات جامعه است. باوجود نقدها و پژوهش‌های بسیار، هنوز برخی ابعاد داستان، به‌ویژه عناصر سازنده و روش‌های روایت، ناشناخته باقی مانده‌اند (1). یکی از جریان‌های برجسته در داستان‌نویسی معاصر، توجه ویژه به تکنیک‌ها و عناصر داستانی است؛ نویسندگان با بهره‌گیری خلاقانه از ابزارهایی چون مضمون، شخصیت، صحنه، زاویه دید، پیرنگ و گفت‌وگو می‌کوشند جهان خود را بسازند و دیدگاهشان را منتقل کنند (2). تحلیل این عناصر، علاوه بر شناخت لایه‌های زیرین متن، به شفاف شدن نقاط قوت و ضعف آثار نیز کمک می‌کند، به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند آسیب جدی به انسجام و جذابیت داستان وارد سازد.

ادبیات داستانی کودک و نوجوان ایران، باوجود رشد کمی و کیفی چشم‌گیر در دهه‌های اخیر و ظهور چهره‌هایی مانند فریبا کلهر، هنوز کمتر از منظر تحلیل عناصر داستانی و با دیدگاه نظریه‌های بینارشته‌ای معاصر، مانند گفتمان لاکلا و موفه، به‌طور نظام‌مند بررسی شده است. بیشتر مطالعات پیشین، یا محتوای آثار را به‌صورت اجمالی بررسی کرده‌اند یا فاقد رویکرد تحلیلی ساختاری و گفتمانی بوده‌اند، درحالی‌که توجه به چنین رویکردهایی می‌تواند به تفسیر تازه‌ای از متن و دریافت معانی پنهان و الگوهای روایی منجر شود.

در این میان، تحلیل عمیق عناصر سازنده داستان در آثار فریبا کلهر -نویسنده‌ای با سابقه چند دهه فعالیت مستمر و تأثیرگذار در حوزه ادبیات کودک و نوجوان- می‌تواند نه تنها به توسعه نقد تخصصی این حوزه کمک کند، بلکه الگویی برای نویسندگان و پژوهشگران آینده نیز ارائه دهد. استفاده از چارچوب نظری گفتمان لاکلا و

موفه، بستری مناسب برای واکاوی ساختارهای معنایی، تکنیکی و ارزشی این آثار فراهم می‌کند و امکان شناسایی مؤلفه‌های گفتمانی و بسط ایده‌های تازه را می‌دهد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر گامی ضروری در ارتقای سطح نقد و خوانش نظام‌مند ادبیات کودک و نوجوان و تقویت گفتمان پژوهش‌های ادبی در ایران به شمار می‌آید.

مبانی نظری

ادبیات داستانی

داستان‌پردازی و قصه‌گویی در ایران قدمتی بسیار دارد و تاریخ دقیقی برای نخستین قصه‌ها نمی‌توان یافت، اما پیدایش داستان را می‌توان هم‌زمان با شکل‌گیری اجتماعات انسانی دانست؛ آنجا که انسان‌ها، با اندکی تغییر در واقعیت‌ها، ماجراهای خود را نقل می‌کردند (3). در تعریف کلی، داستان رشته‌ای از رویدادهاست که بر اساس توالی زمانی شکل می‌گیرد و بنیان هر اثر خلاق است (1). (4). ویژگی اصلی داستان، برانگیختن کنجکاوی مخاطب نسبت به رویدادهای بعدی است (5). داستان در معنای خاص، به آثاری گفته می‌شود که بیشتر زاینده تخیل و هنر نویسنده‌اند تا بیان واقعیات تاریخی، و حتی اگر بر اساس تاریخ ساخته شده باشند، هدفشان ایجاد تجربه و احساس برای خواننده است (6). ادبیات داستانی نیز به روایت‌هایی اطلاق می‌شود که خصلت ساختگی و ابداعی آن‌ها بر جنبه‌های واقع‌گرایانه غلبه دارد و شامل انواعی چون قصه، رمان، داستان کوتاه و سایر گونه‌های روایی منثور می‌شود (3).

عناصر داستانی

هر داستانی ساختاری است متشکل از عناصری که نسبت به هم و نسبت به کل ساختار، وضعیت مشخص و متفاوتی دارند (7). مبانی تحلیل هر داستان، بر پایه عناصر داستانی است و سنجش هر داستان بر اساس چگونگی کاربرد هریک از این عناصر صورت می‌پذیرد. نویسندگان برجسته در آثار و شاهکارهایشان به عناصر

داستانی توجه زیادی داشته‌اند. این عناصر به هم پیوسته هستند و از هم جدا نمی‌شوند. در اینجا به عناصر داستانی اشاره می‌شود:

عنوان داستان

عنوان داستان برجستگی است که نویسنده به یاری آن داستان خود را از سایر داستان‌ها متمایز می‌کند و این تنها چیزی است که در ابتدا برای جلب نظر خواننده می‌توان به آن اتکا کرد. یک نام خوب برای هر چیز که باید اقبال عامه یابد ضروری است و باید تازه، برانگیزاننده فکر، گیرا و موزون باشد؛ به داستان بخورد، طرح داستان را آشکار نکند و پیش‌پاافتاده نباشد؛ یعنی همان‌گونه که خود داستان باید بکر باشد، عنوان آن نیز باید چنین باشد. ضعیف‌ترین عنوان، عنوانی است که نام شخصیت اصلی داستان باشد. بهتر است نویسنده عنوان داستان را پس از پایان یافتن داستان و پرداخت نهایی آن انتخاب نماید (8).

شروع

در هر داستان، شروع جذاب‌ترین بخش داستان است و «جزئی تفکیک‌ناپذیر از پیرنگ است که در جهت مفهوم کلی داستان باید جهت‌گیری شود. شروع جذاب، خواننده را به سرعت به درون داستان می‌کشد» (9).

پیرنگ یا الگوی حادثه

پیرنگ به معنی بنیاد نقش و شالوده طرح و ساختار وقایع است، چه این وقایع ساده و چه پیچیده باشد، داستان بر آن بنا شده و عناصر داستان را به صورتی منسجم به یکدیگر پیوند می‌دهد. در واقع، «طرح را می‌توان بخش پویای روایت دانست، به دلیل آن‌که گسترش و حرکت داستان با آن صورت می‌گیرد» (10) و به «درون‌مایه، حوادث، شخصیت‌پردازی، زمان، مکان و فضای داستان، سامان و وحدت هنری می‌بخشد» (11). داستان‌نویس کاردان طرح را در کل اندام داستان حل و فصل می‌کند و به خواننده فرصت می‌دهد که خطوط آن، یعنی روابط علی بین رویدادهای داستان را به چشم ببیند و به گوش بشنود. پیرنگ با محتوای داستان

ارتباط دارد. ساختمان ماهرانه یک طرح یا پیرنگ مستلزم توانایی پرورش حوادث درون یک اثر در یک سیر تحولی جالب و پویاست. بنابراین، پیرنگ، یا خط داستانی، اغلب به عنوان یکی از عناصر بنیادین ادبیات داستانی برشمرده می‌شود (12).

شخصیت

«شخصیت» از مهم‌ترین عناصر وجودی هر داستان است. «شخصیت‌های داستانی» در کودکان و بزرگسالان واکنشی مبتنی بر همدلی را برمی‌انگیزند. شخصیت‌پردازی یعنی حاصل جمع تمام خصایص قابل مشاهده یک فرد انسانی، هر آنچه که بتوان با دقت در زندگی شخصیت از او فهمید (1).

حقیقت‌مانندی

گاهی به نویسندگانی برمی‌خوریم که وقتی در حقیقت وقایع داستان‌های آن‌ها اظهار تردید می‌کنیم، برآشفته می‌شوند و برای اثبات حقانیت وقایع داستان‌های خود دلیل می‌آورند. این دلیل‌ها عموماً محتوای واحدی دارد و به هم شبیه هستند و نویسندگان در ابراز کردن آن‌ها صادق هستند؛ اما واقعه یا حادثه در داستان‌های آن‌ها فاقد کیفیتی است که معمولاً داستان‌های موفق از آن برخوردارند و در نتیجه، داستان باورنکردنی جلوه می‌کند و خوانندگان نمی‌توانند وقوع آن‌ها را در داستان باور کنند. به این کیفیت حقیقت‌مانندی می‌گویند. حقیقت‌مانندی کیفیتی است که داستان را پیش چشم خواننده قابل قبول جلوه می‌دهد و باعث پذیرش حادثه‌های آن می‌شود. واقعیت داستان با همه بدیهیاتش، به واقعیت موجود یا تخیل نویسنده، واقعیتی قائم به ذات است. هر قدر داستان به واقعیت‌های زندگی نزدیک باشد، به همان نسبت تأثیر بیشتری در خواننده می‌گذارد (10).

درون‌مایه یا مضمون

درون‌مایه هماهنگ‌کننده موضوع با سایر عناصر داستان است و به عنوان فکر و اندیشه‌ی حاکمی تعریف می‌شود که نویسنده در داستان اعمال می‌کند؛ به همین جهت است که می‌گویند درون‌مایه

هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد. در داستان، توجه ما مدام به فکر و معنای حاکم بر داستان است؛ زیرا شناخت عمل داستانی یا شخصیت‌های داستان منوط به درک معنای حاکم بر داستان، یعنی درون‌مایه، است. نویسندگان گاه در آثار خود از بیان صریح درون‌مایه‌های داستان خود اجتناب می‌کنند و شیوه‌های غیرصریح را برای تصویر و تشریح آن‌ها برمی‌گزینند؛ مثلاً درون‌مایه‌ها را در افکار و عواطف و تخیلات شخصیت‌های داستان می‌گنجانند و خواننده از طریق تفسیر این افکار و تخیلات و برآیند موضوع داستان، به درون‌مایه داستان پی می‌برد؛ چون هرچه درون‌مایه ظریف‌تر و غیرصریح‌تر باشد، تأثیرش بر خواننده بیشتر است (13).

زاویه دید

زاویه دید موقعیتی است که نویسنده نسبت به روایت داستان اتخاذ می‌کند و دریچه‌ای است که پیش روی خواننده می‌گشاید تا او از آن دریچه، حوادث داستان را ببیند و بخواند. انتخاب نوع زاویه دید، بستگی به نوع تأثیری دارد که نویسنده می‌خواهد با داستانش روی خواننده بگذارد (14).

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی مورد استفاده در این تحقیق، ابزار اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم، مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از ابزار فیش‌برداری می‌باشد. در این پژوهش به بررسی آثار فریبا کلهر پرداخته شده است که از نویسندگان معروف و برجسته ادبیات کودک و نوجوان در ایران به شمار می‌رود. در پژوهش حاضر، دو کتاب «هوشمندان سیاره

اوراک» و «من و درخت پنیر» به عنوان متون مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، تحلیل گفتمان آثار مذکور بر اساس چارچوب نظری لاکلا و موفه صورت می‌گیرد. بدین منظور، پس از استخراج و تحلیل عناصر داستانی کلیدی همچون شخصیت‌پردازی، فضا و مکان، پیرنگ، لحن، زاویه دید و درون‌مایه، نحوه بازنمایی مفاهیم عمده، دال‌های مرکزی، زنجیره‌های هم‌ارزی، گفتمان‌های رقیب و رخنه‌های گفتمانی در هر دو اثر بررسی خواهد شد. مراحل اجرای پژوهش شامل مطالعه و یادداشت‌برداری از متون اصلی، طبقه‌بندی داده‌ها بر اساس عناصر داستانی، تحلیل کیفی هر عنصر در بستر گفتمانی و مقایسه تطبیقی نتایج برای ارائه جمع‌بندی نهایی است. در نهایت، یافته‌های این تحلیل در قالب جداول و نمودارهای مقایسه‌ای ارائه می‌شود تا شفافیت لازم در نمایش مشابهت‌ها و تفاوت‌های گفتمانی دو اثر که در انتقال پیام‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی نقش دارند، فراهم گردد.

بحث و بررسی

بررسی کتاب هوشمندان سیاره اوراک

این کتاب یکی از آثار علمی-تخیلی فریبا کلهر، به ماجرای موجوداتی هوشمند از سیاره‌ای خیالی به نام «اوراک» می‌پردازد. این داستان، علاوه بر داشتن جذابیت‌های علمی-تخیلی، مفاهیم عمیقی چون عدالت، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام به تفاوت‌ها و نیاز به همکاری را در قالب یک روایت تخیلی، اما آموزنده بررسی می‌کند. در این تحلیل، ابتدا عناصر داستانی معرفی شده و سپس بر مبنای چارچوب گفتمان لاکلا و موفه تحلیل گفتمانی صورت می‌گیرد.

جدول ۱. عناصر داستانی کتاب هوشمندان سیاره اوراک

عنصر داستانی	نمونه‌های متن	ویژگی‌ها و تحلیل
پیرنگ (Plot)	رهبر هوشمندان اوراک گفت: شاید راه حل این باشد که بیاموزیم چگونه با زمینی‌ها همزیستی کنیم، نه اینکه کاملاً مستقل بمانیم.	داستان از جایی شروع می‌شود که سیاره اوراک، با موجودات پیشرفته‌تر از انسان، برای نجات منابع طبیعی خود مجبور به برقراری ارتباط با زمینی‌ها می‌شود. در تعامل میان این دو سیاره، مفاهیم تضاد، تفاوت فرهنگی و در نهایت همکاری شکوفا می‌شود.

شخصیت‌ها	شخصیت‌های داستان از دو گروه ساخته شده‌اند: هوشمندان سیاره اوراک و زمینی‌ها، که هر کدام نماینده گفتمان‌های متفاوت فرهنگی، اخلاقی و زیستی هستند.
-رهبر اوراک‌ها	رهبر اوراک‌ها گفت: قدرت در دانش است، اما درک تفاوت‌ها نیز بخشی از این دانش است.
-دانشمند زمینی	دانشمند زمینی گفت: شاید تلاش ما برای استعمار دیگر سیارات همان مشکلی است که باید از آن درس بگیریم.
-هوشمندان فرعی اوراک	یک اوراک جوان گفت: دوستان زمینی ما باید بدانند که منابع محدود است و ما نمی‌توانیم همه چیز را بدون هماهنگی تقسیم کنیم.
فضا و مکان	در اوراک هیچ چیزی هدر نمی‌رود. ما آموخته‌ایم که هر مولکول ارزشمند است، اما آیا زمینی‌ها هم همین‌طور فکر می‌کنند؟
زاویه دید (Point of View)	در ذهن رهبر اوراک‌ها سؤالی شکل گرفت: آیا زمینی‌ها خواهند توانست خود را با مدل زیستی ما تطبیق دهند؟
درون‌مایه (Theme)	پیام رهبر اوراک این بود: تمدن‌ها تنها زمانی پیشرفت می‌کنند که با یکدیگر گفت‌وگو کرده و منابع را به‌درستی مدیریت کنند.
	محور اصلی داستان همکاری بین تمدن‌ها و ترویج همبستگی با احترام به تفاوت‌ها است. مفاهیمی چون بهینه‌سازی منابع طبیعی، مسئولیت‌پذیری، احترام به طبیعت و هوش جمعی نیز به‌وضوح مطرح می‌شود.

جدول ۲. تحلیل گفتمان کتاب هوشمندان سیاره اوراک بر اساس چارچوب لاکلا و موفه

مفهوم لاکلا و موفه	نمونه‌های متن	شرح
دال مرکزی (همکاری)	رهبر اوراک‌ها گفت: تمدن‌ها تنها زمانی می‌توانند پایدار بمانند که همکاری کنند، نه زمانی که خودخواهی غالب شود.	در داستان، همکاری میان تمدن زمینی و تمدن اوراک به‌عنوان دال مرکزی مطرح می‌شود. پیام اصلی داستان این است که تمدن‌ها با احترام به تفاوت‌ها و تکیه بر همکاری هوشمندانه می‌توانند پیشرفت کنند.
زنجیره هم‌ارزی	دانشمند زمینی گفت: شاید بتوان از هوش اوراک‌ها برای درس گرفتن از اشتباهات خود استفاده کرد.	همکاری از طریق مفاهیمی مانند تعادل زیستی، احترام به تفاوت‌ها، مسئولیت‌پذیری و هوش اجتماعی معنا و تثبیت می‌شود.
-تعادل زیستی	در اوراک هیچ چیزی بیهوده مصرف نمی‌شود. این قانون طبیعت است.	اوراک‌ها تأکید ویژه‌ای بر رعایت تعادل در مصرف منابع و حفظ تعادل اکوسیستم دارند و این موضوع یکی از پایه‌های گفتمان همکاری است.
-احترام به تفاوت‌ها	رهبر اوراک‌ها گفت: زمینی‌ها متفاوت هستند، اما درک تفاوت‌ها ما را قوی‌تر می‌کند.	اندیشه هماهنگی با فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، یکی از پیش‌نیازهای همکاری در متن داستان است.
-مسئولیت‌پذیری	دانشمند زمینی گفت: شاید ما اشتباه زیادی کرده باشیم، اما هنوز فرصت برای اصلاح رفتارمان هست.	زمینی‌ها از طریق تجربه‌های گذشته خود می‌آموزند که مسئولیت‌پذیری در قبال محیط زیست و دیگر تمدن‌ها مهم است.
دال شناور (تمدن پیشرفته)	رهبر اوراک گفت: پیشرفت واقعی چیست؟ دانشی که به طبیعت احترام نگذارد، در نهایت ما را نابود خواهد کرد.	مفهوم تمدن پیشرفته در داستان شناور است. در ابتدا تصور می‌شود که تکنولوژی محور اصلی پیشرفت است، اما در طول داستان مشخص می‌شود که پیشرفت واقعی در مدیریت منابع، احترام به طبیعت و همکاری مسالمت‌آمیز است.
رخنه‌های گفتمانی	دانشمند زمینی با خود اندیشید: ما همیشه فکر می‌کردیم برتر هستیم، اما شاید اوراک‌ها چیزهایی بدانند که ما از آن دور مانده‌ایم.	تقابل میان گفتمان مصرف‌گرایی انسانی و گفتمان تعادل اوراک‌ها، شکاف‌هایی در ایده برتری انسان ایجاد می‌کند و مسیری برای همکاری باثبات ارائه می‌دهد.
گفتمان‌های رقیب	زمینی‌ها از اوراک‌ها یاد گرفتند که تنها راه بقا، احترام به طبیعت و تقسیم منابع است.	گفتمان مصرف‌گرایانه زمینی‌ها در تقابل با گفتمان تعادل اوراک‌ها قرار می‌گیرد. در پایان، گفتمان تعادل و همکاری غالب می‌شود و پیام مهم داستان در این دگرگونی گفتمان ریشه دارد.

تحلیل عناصر داستان بر اساس چارچوب گفتمان لاکلا و موفه پیرنگ

تحلیل گفتمانی: پیرنگ داستان بر تقابل و تعامل گفتمان‌ها بنا شده است. گفتمان مصرف‌گرایی زمینی‌ها در ابتدا با پیشرفت تکنولوژی معنا می‌شود، اما در برابر گفتمان تعادل زیستی اوراکی‌ها در نهایت تغییر می‌کند و همکاری را به‌عنوان دال مرکزی تثبیت می‌کند.

• زنجیره هم‌ارزی: همکاری زمینی‌ها و اوراکی‌ها از طریق دال‌هایی مثل احترام به تفاوت‌ها و مسئولیت‌پذیری محقق می‌شود.

• رخنه‌های گفتمانی: شخصیت‌هایی که ابتدا برتری انسان را در اولویت می‌دانستند، در طول داستان توسط رفتارها و اصول اوراکی‌ها دچار تحول می‌شوند و این تغییر نشانگر شکاف در گفتمان اولیه است.

• «وقتی رئیس هیئت زمینی به رهبر اوراکی گفت: منابع شما می‌تواند تمدن ما را نجات دهد، رهبر پاسخ داد: اگر منابع تنها متعلق به شما بود، ما دیگر زنده نبودیم».

• «در میان سکوت شورای سیاره‌ای، پدیده جوان زمینی آرام زمزمه کرد: شاید باید به جای فتح سیاره جدید، روش زیست‌نمان را عوض کنیم».

شخصیت‌ها

الف) رهبر اوراکی‌ها

تحلیل گفتمانی: رهبر اوراکی‌ها نماد گفتمان تعادل، خردمندی و دانش است. او در برابر مصرف‌گرایی زمینی‌ها گفتمان دیگری را مطرح می‌کند که بر همکاری و احترام به طبیعت تأکید دارد.

• «رهبر اوراکی با نگاهی عمیق گفت: پیشرفت، زمانی معنا دارد که بهای آن ویرانی نباشد».

ب) دانشمند زمینی

تحلیل گفتمانی: دانشمند زمینی نماد گفتمان مصرف‌گرایی و توسعه فردی انسان است، اما در طول داستان تغییر کرده و به گفتمان تعادل و احترام به طبیعت روی می‌آورد.

• «او قبلاً فکر می‌کرد که تکنولوژی جواب همه چیز است، اما حالا می‌فهمد که بدون طبیعت، تکنولوژی بی‌معناست».

• «دانشمند زمینی با دیدن نیروی همدلانه اوراکی‌ها به همکاری گفت: اینجا همه دست به دست هم می‌دهند، حتی برای کوچک‌ترین مسئله».

ج) اعضای شورای اوراک

تحلیل گفتمانی:

نماد هم‌اندیشی و مشورت جمعی هستند. هر عضو یک دال هم‌ارز گفتمان تعادل (دانش، صرفه‌جویی، مراقبت جمعی) را نمایندگی می‌کند.

• «یکی از اعضا گفت: هر تصمیمی که می‌گیریم، باید تا نسل‌های بعدی مسئولیت آن را بپذیریم».

د) مردم زمین

تحلیل گفتمانی:

نمایندگان گفتمان مصرف‌گرایی، در اضطراب زیستی و تمایل به استفاده بی‌رویه از منابع، بحران را ایجاد می‌کنند.

• «زمینی‌ها خبر منابع اوراک را که شنیدند، بحث‌ها درباره استخراج و استفاده سریع بالا گرفت».

فضا و مکان

تحلیل گفتمانی: سیاره اوراک نماد گفتمانی است که بر تعادل و همکاری تأکید دارد. تقابل اصلی از جایی شروع می‌شود که تمدن زمینی، که تخریب محیط‌زیست و مصرف‌گرایی را نمایندگی می‌کند، وارد فضای اوراک می‌شود. این تقابل در نهایت به معنای گفتمان همکاری ختم می‌شود.

• «سیاره اوراک مانند بهشتی بود که زمینی‌ها آن را در رؤیاهایشان دیده بودند، اما شاید برای نجات آن باید چیزهایی را تغییر می‌دادند».

• «درختان کریستالی که با موسیقی باد می‌درخشیدند و سازه‌های زیستی که با رشد گیاهان هم‌آغوش بودند، نشان می‌داد شهر اوراک با ایده تعادل ساخته شده است.»

• «زمین خشک و عقیم سابق تداعی غربت می‌کرد؛ درحالی‌که در اوراک، رودها بی‌صدا می‌لغزیدند و پرندگان نقره‌ای آواز می‌خواندند.»

درون‌مایه

تحلیل گفتمانی: درون‌مایه اصلی داستان نیاز به همکاری تمدن‌ها، حفظ منابع طبیعی و احترام به تفاوت‌های فرهنگی است. این مفاهیم در مقابل گفتمان برتری‌طلبی و مصرف‌گرایی قرار گرفته و در طول داستان دچار تحول می‌شوند.

• «تصمیم گرفتند که همکاری تنها راه نجات هر دو سیاره است.»
• «رهبر اوراکی سخاوتمندانه به زمینی‌ها گفت: اینجا نه تنها برای ما که برای هرگونه زنده‌ای خانه است.»

• «در پایان سفر، زمینی‌ها دریافتند به جای تصاحب، باید بیاموزند چگونه بخشی از یک کل بزرگ‌تر باشند.»

زاویه دید

در داستان هوشمندان سیاره اوراک، اگر روایت علمی-تخیلی باشد، زاویه دید اغلب سوم‌شخص دانای کل است. این زاویه دید به خواننده اجازه می‌دهد که از نظرگاه یک ناظر فراگیر، هم زندگی موجودات هوشمند سیاره اوراک را درک کند و هم رخدادهای پیرامونی آن‌ها را در سطح وسیع‌تری ببیند. این امر به تعمیق درگیری عاطفی مخاطب با شخصیت‌ها و درک بهتر ایده‌های فلسفی، اخلاقی یا اجتماعی داستان کمک می‌کند.

تحلیل گفتمانی: در این داستان تخیلی، گفتمان‌های کلیدی ممکن است حول محورهایی مانند تمدن پیشرفته، تعامل‌های اخلاقی میان انسان‌ها و موجودات هوشمند، آینده‌گرایی و مسائل زیستی-فناورانه شکل بگیرد. چنین گفتمانی می‌تواند تضاد میان گفتمان «توسعه پایدار» و «مصرف‌گرایی و نابودی» یا تفاوت میان

ارزش‌های تمدنی سیاره اوراک و زمین را برجسته کند. جهانی که در سیاره اوراک ترسیم می‌شود، معمولاً به دنبال بازتاب انتقادی یا الگوسازی می‌باشد.

• «شعاع‌های درخشان نور از قلب اوراک می‌تابیدند. موجودات هوشمند با پوست نقره‌ای‌رنگ کنار هم گرد آمدند. یکی از آن‌ها به آرامی گفت: زمین به پایان خود نزدیک است؛ اما آیا آن‌ها شایسته دریافت کمک ما هستند؟»

• «راوی گفت: این نخستین بار بود که هیئت زمینی با چشمانی تازه به زمین و خانه نخستیشان نگاه کرد.»

• «اندیشه‌ای در ذهن همه جاری بود: شاید عصر جدیدی آغاز شده باشد؛ عصری که در آن هیچ سیاره‌ای جزیره نیست.»

کتاب هوشمندان سیاره اوراک، با استفاده از چارچوب گفتمان لاکلا و موفه، نمایانگر تقابل گفتمان‌های مصرف‌گرایی و تعادل زیستی است. در این داستان، گفتمان تعادل از طریق زنجیره هم‌ارزی (همکاری، احترام به تفاوت‌ها، مسئولیت‌پذیری) به‌عنوان دال مرکزی تثبیت می‌شود. رخنه‌های گفتمانی و مفاهیم شناور مانند «تمدن پیشرفته» نشان می‌دهند که پیشرفت تنها در سایه احترام به تفاوت‌ها و حفظ منابع طبیعی معنا پیدا می‌کند.

بررسی کتاب من و درخت پنیر اثر فریا کلهر

من و درخت پنیر نوشته‌ی فریا کلهر، یکی از آثار جذاب کودکانه است که با داستانی ساده، تخیلی و درعین‌حال پرمحتوا، مفاهیم عمیقی مانند دوستی، طبیعت، رؤیاپردازی، مسئولیت‌پذیری و ارتباط انسان با محیط پیرامون را مطرح می‌کند. این اثر در قالبی خیال‌انگیز، تخیل خواننده را تحریک کرده و ارزش‌های انسانی و اخلاقی را به شکلی غیرمستقیم به کودکان آموزش می‌دهد. در اینجا تحلیلی کلی از کتاب ارائه شده است که به عناصر داستانی و پیام‌های اصلی آن می‌پردازد. داستان از جایی شروع می‌شود که شخصیت اصلی، یک کودک (که معمولاً نام او در داستان‌هایی از این دست شبیه به خواننده است)، با درختی جادویی روبه‌رو

می‌شود که می‌تواند پنیر تولید کند! کودک و درخت رابطه‌ای
دوستانه و پرماجرا برقرار می‌کنند. در طول داستان، کودک با
چالش‌هایی مانند حفظ اسرار درخت، مقابله با طمع دیگران و
یادگیری اهمیت دوستی و مسئولیت مواجه می‌شود. این درخت،
نماد طبیعت و سخاوت جهان پیرامون است که در معرض خطر
حرص و آزاده‌ها قرار می‌گیرد.

جدول ۳. عناصر داستانی کتاب من و درخت پنیر

عناصر داستانی	نمونه متن	ویژگی‌ها و شرح
پیرنگ (Plot)	درخت گفت: ما باید با هم تلاش کنیم تا راز من پنهان بماند.	داستان درباره کودک و درخت پنیری است که گفت‌وگو می‌کنند و با چالش‌های حفظ راز و مقابله با حرص و طمع آدم‌های اطراف، درگیر می‌شوند.
شخصیت‌ها	کودک گفت: نمی‌گذارم کسی به شما آسیب بزند، حتی اگر به قیمت از دست دادن پنیرها باشد.	شخصیت‌هایی مانند کودک (قهرمان داستان)، درخت پنیر (نماد طبیعت) و دیگر افراد (نماد طمع و بی‌توجهی به منابع طبیعی) روایت را پیش می‌برند.
-کودک	او فهمید که محافظت از درخت مهم‌تر از خوردن پنیرهای آن است.	نماد معصومیت، کنجکاوی و حس مسئولیت که به مرور در داستان رشد می‌کند و به معنای مسئولیت‌پذیری می‌رسد.
-درخت پنیر	درخت گفت: من به کسی آسیب نمی‌زنم، اما آدم‌ها همیشه در حال گرفتن چیزهای بیشتری هستند.	موجودی جادویی اما آسیب‌پذیر که نمادی از طبیعت، سخاوت و نیاز به محافظت است.
فضا و مکان	در میان درخت‌های ساده باغ، یکی بود که بوی پنیر می‌داد و شگفت‌انگیزترین درخت دنیا بود.	مکان داستان بیشتر یک باغ خیالی و جادویی است که ترکیبی از ویژگی‌های ساده طبیعت و جذابیت‌های جادویی مانند درخت پنیر را نمایش می‌دهد.
زاویه دید (Point of View)	کودک به راز درخت فکر کرد و با خودش گفت آیا می‌توانم یک دوست واقعی باشم؟	سوم شخص محدود به دیدگاه کودک که باعث می‌شود مخاطب با شخصیت کودک هم‌ذات‌پنداری کند و دغدغه‌های او را بهتر بفهمد.
درون‌مایه (Theme)	داستان نشان می‌دهد که داشتن یک دوست واقعی به معنای مراقبت و فداکاری است.	مفاهیمی مانند دوستی، مسئولیت‌پذیری، حفظ طبیعت و مقابله با طمع از درون‌مایه‌های اصلی هستند که به زبانی ساده و تخیلی بازگو می‌شوند.
چالش‌ها (Conflict)	وقتی آدم‌ها فهمیدند که پنیری در باغ وجود دارد، کودک هرچه داشت انجام داد تا درخت را از چشمان طماع آن‌ها دور نگه دارد.	چالش اصلی کودک در محافظت از راز درخت پنیر و مقابله با طمع آدم‌های اطراف شکل می‌گیرد.

جدول ۴. تحلیل گفتمان کتاب من و درخت پنیر بر اساس چارچوب لاکلا و موفه

مفهوم گفتمانی	نمونه متن	شرح
دال مرکزی (محافظت)	کودک گفت: من باید از درخت مراقبت کنم، چون او بهترین دوستی است که دارم.	داستان حول مفهوم محافظت از طبیعت به عنوان دال مرکزی می‌چرخد. پیام اصلی کتاب تأکید بر مسئولیت انسان‌ها در مراقبت از منابع طبیعی و جلوگیری از آسیب زدن به آن‌ها است.
زنجیره هم‌ارزی	درخت به کودک گفت: اگر کسی راز مرا بداند، ممکن است دیگر هیچ‌وقت نتوانم به کسی کمک کنم.	دال مرکزی از طریق مفاهیمی هم‌ارز مانند دوستی، سخاوت، مسئولیت‌پذیری و مقابله با حرص و طمع تثبیت می‌شود که هر کدام در بخش‌هایی از داستان برجسته می‌شوند.
-دوستی	کودک گفت: من به کسی نمی‌گویم که تو پنیر تولید می‌کنی. این راز من و توست.	دوستی میان کودک و درخت، عنصر کلیدی روایت است که نشان‌دهنده رابطه‌ای صادقانه و نیازمند مراقبت است.
-سخاوت	درخت گفت: پنیر برای همه کافی است، اگر فقط نیازشان را بردارند.	درخت پنیر نماد یک منبع طبیعی سخاوتمند است، اما سخاوت آن مستلزم استفاده درست و اخلاقی است.
-مسئولیت‌پذیری	کودک فهمید که تنها او می‌تواند از درخت در برابر خطر محافظت کند.	کودک در طول داستان می‌آموزد که محافظت از چیزی با ارزش یک وظیفه بزرگ است و نمی‌توان این وظیفه را نادیده گرفت.
دال شناور (طمع)	آدم‌ها هیچ‌وقت یاد نمی‌گیرند که هر چیزی به اندازه خودش کافی است.	مفهوم طمع در داستان همواره به عنوان تهدیدی برای طبیعت و ارتباطات انسانی مطرح می‌شود. در ابتدا ممکن است طبیعی به نظر برسد، اما در نهایت به عنوان عنصری منفی نمایش داده می‌شود.
رخه‌های گفتمانی	او نمی‌دانست که اگر راز درخت را بگوید، آیا درخت باز هم دوستش خواهد بود؟	لحظاتی که کودک با سؤالات اخلاقی یا چالش‌های درونی مواجه می‌شود، گسست‌هایی در گفتمان دوستی و محافظت ایجاد می‌شود و کودک باید تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند به اصول خود وفادار بماند.
گفتمان‌های رقیب	آدم‌های باغ نمی‌توانستند باور کنند که کودکی هم بتواند از چیزی به این مهمی محافظت کند.	در داستان، گفتمان مشارکت و احترام به طبیعت (کودک و درخت) در تضاد با گفتمان حرص و مصرف‌گرایی (آدم‌های طماع اطراف) قرار می‌گیرد که در نهایت گفتمان اول پیروز می‌شود.

تحلیل عناصر داستانی بر اساس گفتمان لاکلا و موفه

پیرنگ

تحلیل گفتمانی: پیرنگ داستان از ابتدا بر مبنای گفتمان «محافظت» شکل گرفته است. تلاش کودک برای نگه داشتن راز درخت و مقابله با طمع دیگران نشان‌دهنده تقابل دو گفتمان اصلی است:

- مشارکت و مراقبت از منابع (به نمایندگی کودک و درخت)،
- مصرف‌گرایی و حرص (به نمایندگی آدم‌های طماع).

دال مرکزی حفاظت، با دال‌های هم‌ارزی مانند دوستی و مسئولیت‌پذیری معنا پیدا می‌کند. لحظاتی که رخنه‌های گفتمانی شکل می‌گیرد (مانند وسوسه کودک برای فاش کردن راز)، پیرنگ را به سمت حل تعارض و تقویت گفتمان محافظت سوق می‌دهد.

- «او وسوسه شده بود که راز را بگوید، اما تصویر چشمان غمگین درخت باعث شد تصمیم دیگری بگیرد.»
- «کودک هر روز با دلهره به اطراف نگاه می‌کرد مبادا کسی متوجه میوه‌های زردرنگ بر شاخسار درخت شود.»
- «هر بار که حرف راز به زبانش می‌آمد، صدای آرام درخت در گوشش می‌پیچید: «به من اعتماد کن.»»

شخصیت‌ها

الف) کودک

- تحلیل گفتمانی: کودک در ابتدا نماینده یک کنجکاوی ساده است، اما به تدریج در طول داستان گفتمان «مسئولیت‌پذیری» را می‌آموزد و به نماد محافظت و احترام به طبیعت تبدیل می‌شود.
- «کودک احساس کرد که درخت به او اعتماد کرده است و نباید این اعتماد را بشکند.»

ب) درخت پنیر

- تحلیل گفتمانی: درخت نماینده گفتمان «سخاوت طبیعی» است که درعین حال نیاز به احترام و مراقبت دارد. این شخصیت، طبیعت و محیط‌زیست را بازنمایی می‌کند که اگر مورد سوءاستفاده قرار گیرد، آسیب‌پذیر خواهد بود.

- «درخت گفت: من به تو اعتماد دارم. اگر بقیه مرا پیدا کنند، مطمئنم همه چیز به پایان می‌رسد.»

- «درخت با شاخه‌های خود کودک را در آغوش گرفت و آرام گفت: «همه چیز به تو بستگی دارد.»»

پ) آدم‌های طماع

- تحلیل گفتمانی: این شخصیت‌ها نماد گفتمان «طمع و مصرف‌گرایی» هستند. آن‌ها نشان‌دهنده خطری هستند که انسان‌ها، به دلیل بی‌توجهی به پیامدهای اعمال خود، برای منابع طبیعی ایجاد می‌کنند.

- «آدم‌ها پنیرهای زیادی برداشتند، اما حتی به شاخ و برگ درخت هم آسیب رساندند.»

- «وقتی بوی پنیر در باغ پیچید، آدم‌ها مثل مورچه به سوی درخت هجوم بردند، بی‌آن‌که حتی به صدای التماس کودک توجهی کنند.»

فضا و مکان

تحلیل گفتمانی: فضای باغ نمادی از طبیعت بکر و حفاظت‌شده است که درخت پنیر در آن به عنوان منبعی فوق‌العاده اما آسیب‌پذیر قرار دارد. این باغ در تقابل با دنیای بیرونی (نماد مصرف‌گرایی انسان‌ها) قرار دارد.

- «در میان صدای هیاهوی بیرون باغ، کودک آرامش درخت را بیش از هر چیزی دوست داشت.»

- «فقط در دل باغ، کودک احساس امنیت و صداقت می‌کرد؛ اما آن طرف حصارها، همه‌همه و بی‌قراری حاکم بود.»

درون‌مایه

تحلیل گفتمانی: درون‌مایه اصلی این داستان بر «ارزش دوستی و مسئولیت در قبال طبیعت» متمرکز است. این مفهوم در تقابل با گفتمان حرص و طمع مطرح می‌شود و در نهایت، پیام کتاب بر احترام به منابع طبیعی و مراقبت از آن‌ها تأکید دارد.

- «کودک فهمید که اگر همه به اندازه نیازشان پنیر بردارند، درخت همیشه سالم خواهد ماند.»

• «کودک دریافت که دوستی با درخت، نه به خاطر پنیر، که به خاطر خودش ارزشمند است.»

• «درخت گفت: اگر هرکس فقط یک بار بجشد، همیشه می‌توانیم با هم بمانیم.»

زاویه دید

زاویه دید داستان سوم شخص محدود به کودک است.

تحلیل گفتمانی: گفتمان «محافظت» را از دریچه ذهن و احساسات کودک بازتاب می‌دهد. خواننده از نزدیک با چالش‌های اخلاقی او (مانند نگه داشتن راز یا وسوسه فاش کردن آن) همراه شده و زنجیره هم‌ارزی شامل «دوستی، مسئولیت‌پذیری و مقابله با حرص» تقویت می‌شود.

• «کودک به راز درخت فکر کرد؛ آیا به خاطر دوستی‌اش باید راز را محفوظ نگه دارد یا آن را به آدم‌های باغ بگوید؟»

• «کودک از پنجره اتاقش به درخت نگاه کرد و در دل آرزو کرد ای کاش همه می‌توانستند مهربان باشند.»

کتاب من و درخت پنیر بر بستر یک داستان ساده و کودکانه، با استفاده از گفتمان‌های متقابل، به آموزش اهمیت حفظ طبیعت و مقابله با رفتارهای آسیب‌زننده می‌پردازد. استفاده از نمادهایی مانند کودک، درخت پنیر و آدم‌های طماع باعث می‌شود که پیام‌های اخلاقی و زیست‌محیطی به مخاطب کودک منتقل شود. گفتمان «محافظت از طبیعت» در نهایت به‌عنوان گفتمان غالب در داستان معرفی شده و نقش مهمی در شکل‌گیری تفکر زیست‌محور و مسئولانه دارد.

در این جدول مقایسه‌ای، عناصر کلیدی تحلیل گفتمانی دو کتاب «هوشمندان سیاره اوراک» و «من و درخت پنیر» بر اساس چارچوب لاکلا و موفه آورده شده است:

جدول ۵. مقایسه‌ای عناصر تحلیل گفتمانی دو کتاب فریبا کلهر

عناصر/مؤلفه	من و درخت پنیر	هوشمندان سیاره اوراک
دال مرکزی	محافظت از طبیعت	همکاری و همزیستی تمدن‌ها
زنجیره هم‌ارزی	دوستی، سخاوت، مسئولیت‌پذیری، مقابله با حرص و طمع	تعادل زیستی، احترام به تفاوت‌ها، مسئولیت‌پذیری، هوش اجتماعی
دال شناور	طمع	تمدن پیشرفته
رخته‌های گفتمانی	وسوسه کودک برای فاش کردن راز، تهدید طمع اطرافیان	شکاف بین گفتمان مصرف‌گرایی انسانی و تعادل زیستی اوراک
گفتمان‌های رقیب	مشارکت و مراقبت (کودک و درخت) در برابر مصرف‌گرایی و حرص (آدم‌های طماع)	مصرف‌گرایی (انسان‌ها) در برابر تعادل (اوراک‌ها)
پیام/نتیجه‌ی گفتمان	مسئولیت‌پذیری فردی، حفظ محیط‌زیست، ارزش دوستی و گذشت	همکاری، احترام به طبیعت و منابع، رشد بر اساس همبستگی
زاویه دید	سوم شخص محدود به کودک	سوم شخص دانای کل
نمادها	کودک، درخت پنیر، آدم‌های طماع	رهبر اوراک‌ها، دانشمند زمینی، سیاره اوراک
فضا و مکان	باغ و طبیعت (محیطی بومی و کودکانه)	سیاره اوراک (جهانی، علمی-تخیلی) در تقابل با زمین
مخاطب گفتمان	اصلی فرد/کودک، نسل آینده	جامعه جهانی، تمدن‌ها

بسامد عناصر داستانی و گفتمانی

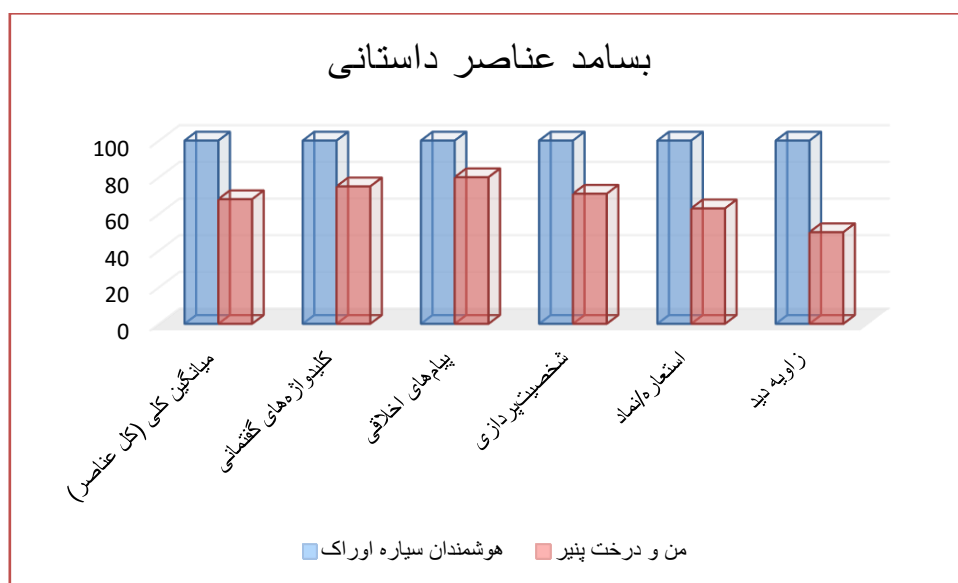
برای ارزیابی کمی متن‌ها، تعداد تکرار عوامل مختلف مانند پیام اخلاقی، عمق شخصیت‌پردازی، تعداد استعاره‌ها و کلیدواژه‌های گفتمانی در هر داستان محاسبه شد. امتیازات هر شاخص برای

مقایسه، به‌صورت عددی بین ۰ تا ۱۰۰ استاندارد شد؛ عدد ۱۰۰ نشان‌دهنده بیشترین میزان حضور شاخص و ۵۰ سطح متوسط را نمایش می‌دهد. شاخص‌های مورد ارزیابی شامل پیام‌های اخلاقی، شخصیت‌پردازی، استعاره/نماد، کلیدواژه‌های گفتمانی و زاویه دید

است که معیار امتیازدهی برای هرکدام به تفکیک میزان و کیفیت ظهور آن‌ها در متن تعیین شده است. بسامد عناصر داستانی در دو کتاب مورد به شرح زیر است:

جدول ۶. تحلیل کیفی و امتیازدهی فراوانی عناصر داستانی و گفتمانی

عنوان اثر	زاویه دید	استعاره/نماد	شخصیت‌پردازی	پیام‌های اخلاقی	کلیدواژه‌های گفتمانی	میانگین کلی (کل عناصر)
هوشمندان سیاره اوراک	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
من و درخت پنیر	۵۰	۶۳	۷۱	۸۰	۷۵	۶۸



شکل ۱. مقایسه عناصر داستانی و گفتمانی ۲ اثر

نتیجه‌گیری

بررسی کتاب هوشمندان سیاره اوراک - فریبا کلهر نشان داد که این رمان علمی-تخیلی با روایت دانای کل، درباره موجودات هوشمند و پیشرفته‌ای است که روی سیاره خیالی اوراک زندگی می‌کنند. داستان حول کشمکش اخلاقی و فلسفی این موجودات درباره مسئولیتشان نسبت به زمین و نحوه برخورد با رفتارهای انسانی، مخصوصاً در زمینه مسائل زیست‌محیطی می‌چرخد. لحن جدی و فلسفی دارد و پیام اصلی آن، دعوت به مسئولیت‌پذیری جهانی و نقد رفتارهای آسیب‌زننده انسان نسبت به محیط‌زیست است. بررسی کتاب من و درخت پنیر - فریبا کلهر نشان داد که داستان با زاویه دید سوم‌شخص محدود و عمدتاً از منظر یک کودک روایت می‌شود. شخصیت‌های اصلی، کودکی کنجکاو و

یک درخت پنیر هستند که رابطه‌ای عاطفی و معنادار دارند. پیرنگ داستان بر حفظ یک راز مشترک میان کودک و درخت و چالش‌های اخلاقی مربوط به آن بنا شده است. لحن کتاب لطیف و کودکانه است و پیام اصلی آن بر دوستی با طبیعت، مسئولیت انسان در حفظ محیط‌زیست و مقابله با مصرف‌گرایی تأکید دارد. در آثار فریبا کلهر، روایت داستانی به‌گونه‌ای طراحی شده که دال‌ها و مدلول‌ها به‌صورت هدفمند و هوشمندانه در خدمت انتقال مفاهیم اخلاقی و فلسفی قرار می‌گیرند. در بخش شخصیت‌پردازی، شخصیت‌هایی مانند «کودک دوست‌دار طبیعت» در داستان «من و درخت پنیر» یا «هوشمندان سیاره اوراک» به‌مثابه دال‌های انتزاعی عمل می‌کنند که مدلول آن‌ها مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری اخلاقی، حفظ طبیعت و تأمل درباره رابطه انسان

کودک و مسئولیت اجتماعی است. این ویژگی‌ها به کودک امکان می‌دهند تا ضمن روایت داستان، با مفاهیمی چون اخلاق، احترام به محیط‌زیست و تعامل انسانی در سطحی عمیق‌تر مواجه شود. نتیجه‌گیری آثار کلهر نشان می‌دهد که او توانایی استفاده از دال‌ها و مدلول‌های معنایی پیچیده و شناور را دارد، به گونه‌ای که مخاطب کودک را هم‌زمان به درک معانی متعدد مانند ارتباط بین فناوری و اخلاق، رازآلودگی طبیعت و چالش‌های حفظ محیط‌زیست وامی‌دارد. این رویکرد، آثار او را فراتر از یک روایت ساده کرده و به بستری برای رشد تفکر نقادانه و فلسفی کودک تبدیل می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The analysis of narrative elements in children's and young adult literature provides a productive pathway for understanding how literary texts construct meaning, organize experience, and transmit ethical, cultural, and social concepts to young readers. Narrative fiction is not merely a sequence of events, but a structured system in which plot, characterization, setting, point of view, tone, dialogue, and theme interact to generate interpretive possibilities and affective engagement. In the field of children's literature, these elements acquire particular significance because the child reader encounters the fictional world not only as a source of entertainment, but also as a symbolic space for learning, identification, moral reflection, and imaginative participation. Studies of fiction have emphasized that

با فناوری است. شخصیت‌های غیرانسانی، مانند موجودات هوشمند سیاره اوراک، نماد تفکر درباره اخلاق در دنیای پیشرفته و عواقب برخورد با مفاهیم مدرن همچون فناوری و پیشرفت هستند. نمادها و مکان‌ها نیز نقش کلیدی در ایجاد معنا دارند؛ برای نمونه، «درخت» در داستان «من و درخت پنیر» به عنوان دال عمل می‌کند و مدلول آن مفهوم طبیعت، رازآلودگی زندگی و مسئولیت انسان در مراقبت از محیط‌زیست است. همچنین، سیاره اوراک به عنوان فضایی خیالی و مستقل از زمین، دالی برای پرداختن به ارزش‌های اخلاقی و اکولوژیکی است که زیر سؤال بردن رفتار انسان و جهان‌بینی مدرن را ممکن می‌سازد. لحن و زاویه دید نیز یکی دیگر از عناصر مهم در آثار کلهر محسوب می‌شوند. لحن احساسی و استعاری، همراه با زاویه دید محدود به کودک، با ایجاد همذات‌پنداری، دال‌هایی هستند که مدلول آن‌ها چالش میان فردیت narrative form and content are inseparable, since the arrangement of events and the selection of narrative techniques shape the reader's perception of characters, conflicts, and values (1). Children's and young adult literature, in this regard, may be considered a dynamic literary field in which fantasy, didactic purpose, emotional simplicity, and symbolic density are combined to communicate complex concepts in accessible forms (3, 4). Based on this premise, the present study examines the narrative elements in selected works by Fariba Kalhor through the theoretical framework of Laclau and Mouffe's discourse theory, focusing specifically on *The Wise Ones of the Planet Orak* and *Me and the Cheese Tree*. The purpose of this research is to show how Kalhor's narrative techniques function beyond formal storytelling and contribute to

the articulation of discourses concerning nature, technology, responsibility, cooperation, ethical agency, and social awareness.

The theoretical foundation of the study rests on the intersection between narrative analysis and discourse theory. From the perspective of narrative studies, each story is composed of interrelated elements that operate within a coherent structure, and the effectiveness of a literary text depends largely on the manner in which these elements are organized and activated (10). Plot gives movement and causal coherence to events; characterization creates emotional and symbolic centers; setting provides spatial and cultural grounding; point of view regulates the reader's access to events and consciousness; and theme coordinates the ideological and conceptual orientation of the narrative. Previous research on children's stories has shown that these elements play a central role in shaping children's engagement with fictional texts and in guiding their interpretation of moral and social meanings (2, 13). At the same time, discourse theory makes it possible to move beyond a purely formal description of narrative components and to examine how meanings are produced through relations among signifiers. In this study, concepts such as nodal point, floating signifier, chain of equivalence, competing discourses, and discursive rupture are used to analyze the ideological and semantic organization of Kalhor's works. This approach is particularly

appropriate for children's fiction because such texts often encode social, ethical, and cultural meanings through symbolic characters, imaginative settings, and simplified conflicts. Storytelling, therefore, becomes a discursive practice through which values are stabilized, challenged, or rearticulated within the narrative world (14).

Methodologically, this study adopts a descriptive-analytical approach based on library research. The two selected works, *The Wise Ones of the Planet Orak* and *Me and the Cheese Tree*, were chosen because they represent two distinct yet related narrative modes in Kalhor's fiction: the first is a science-fictional narrative centered on civilization, ecological crisis, technology, and interplanetary cooperation, while the second is a child-centered fantasy narrative that foregrounds friendship, secrecy, nature, and responsibility. The analysis proceeded in several stages. First, the main narrative elements of each text were identified, including plot, characters, setting, point of view, tone, conflict, and theme. Second, these elements were interpreted in relation to the discursive functions they perform within the structure of each story. Third, the major signifiers and semantic relations in the two works were classified according to Laclau and Mouffe's discourse theory. Finally, a comparative reading was conducted in order to clarify the similarities and differences between the two narratives in terms of their central discourse, ethical orientation, symbolic structure, and

intended child or adolescent audience. This methodological design allows the research to combine close textual analysis with a broader interpretation of ideological and cultural meanings. Such an approach corresponds with previous studies emphasizing that the analysis of story elements in children's literature should not be limited to technical description, but must also consider the cultural, pedagogical, and semiotic functions of narrative forms (5, 9).

The findings of the study show that *The Wise Ones of the Planet Orak* constructs its narrative around the central signifier of cooperation. The plot is organized through the encounter between two civilizations: the advanced beings of the fictional planet Orak and human beings from Earth. This encounter creates a discursive tension between two competing systems of meaning. On the one hand, Earth represents consumerism, ecological destruction, technological arrogance, and the desire to exploit resources; on the other hand, Orak symbolizes ecological balance, collective intelligence, sustainability, and respect for difference. Through this opposition, the story critiques the assumption that technological development alone is sufficient for civilizational progress. The floating signifier of "advanced civilization" is gradually redefined in the narrative: at first, it appears to refer to scientific and technological superiority, but by the end of the story it is rearticulated around ethical cooperation, responsible resource management, and

ecological awareness. The chain of equivalence in the text links cooperation with concepts such as environmental balance, respect for cultural difference, social intelligence, and collective responsibility. The leader of Orak functions as a symbolic figure of wisdom and ethical governance, while the Earth scientist represents a transitional subject who moves from the discourse of domination toward the discourse of responsibility. In this sense, Kalhor uses science fiction not merely to create wonder, but to provide a critical framework for questioning modernity, anthropocentrism, and environmental irresponsibility. The story's third-person omniscient point of view also strengthens this discursive structure by allowing the reader to observe both civilizations and understand the broader ethical implications of their interaction (6, 11).

The analysis of *Me and the Cheese Tree* reveals a different but complementary discursive structure. In this story, the central signifier is protection, especially protection of nature and protection of a vulnerable source of generosity. The narrative focuses on a child who encounters a magical tree capable of producing cheese. Although the premise is simple and imaginative, the symbolic implications are significant. The cheese tree represents nature as a generous but fragile entity, while the child represents innocence, curiosity, ethical growth, and emerging responsibility. The main conflict arises from the need to keep the tree's secret and protect

it from greedy individuals who seek to exploit its gifts. Thus, the story stages a conflict between two competing discourses: the discourse of care, friendship, and responsible use of resources, and the discourse of greed, consumption, and exploitation. The chain of equivalence in the text connects protection with friendship, generosity, trust, responsibility, and resistance to greed. The floating signifier of greed is particularly important because it is initially associated with desire or need, but gradually becomes defined as an unethical force that threatens both nature and human relationships. The limited third-person point of view, centered on the child's perspective, intensifies the reader's emotional involvement and makes the ethical dilemma more accessible to children. This narrative technique allows the young reader to experience the conflict internally, as a question of loyalty, secrecy, and responsibility. In this regard, Kalhor's use of fantasy becomes a pedagogical and philosophical device through which children are invited to reflect on environmental ethics, self-restraint, and the moral meaning of friendship (7, 8).

In conclusion, the comparative analysis of the two selected works demonstrates that Fariba Kalhor's fiction employs narrative elements in a purposeful and multilayered manner, transforming children's stories into spaces of ethical, ecological, and philosophical reflection. Although *The Wise Ones of the Planet Orak* and *Me and the Cheese Tree* differ in scale, genre, setting, and narrative

perspective, both texts construct their meanings through the opposition between responsible coexistence and destructive consumption. In the first work, this opposition is presented at the level of civilizations, planets, technology, and global responsibility; in the second, it is localized in the intimate relationship between a child and a magical tree. The former emphasizes collective survival, inter-civilizational cooperation, and ecological wisdom, while the latter foregrounds personal responsibility, friendship, secrecy, and care for nature. Together, these works show that Kalhor's narrative art is based on the intelligent use of plot, symbolism, characterization, point of view, and thematic development to produce meanings that exceed the surface simplicity of children's literature. Her stories encourage young readers to question dominant assumptions about progress, ownership, consumption, and human superiority, while also cultivating imagination, empathy, responsibility, and critical thinking. Therefore, Kalhor's works can be situated within the broader domain of philosophical and ethical literature for children, as they do not merely tell stories, but invite children and adolescents to rethink their relationship with the natural world, with others, and with the future.

References

1. Mirsadeghi J. Fiction Literature: Sokhan; 2019.
2. Mirzaei Tabar A, Saberi A. A Study of Story Elements in Jasim Muhammad Salih's Children's Stories in Light of Shlomith Rimmon-

- Kenan's Perspective. Research Journal of Arabic Literary Criticism. 2019:331-53.
3. Ghaffari S, Asgharnezhad H. Children's and Young Adult Literature: Sepehr Danesh; 2011.
4. Alipour M. An Overview of Children's and Young Adult Literature: Pegah Alvand; 2014.
5. Kneeskern EE, Reeder PA. Examining the Impact of Fiction Literature on Children's Gender Stereotypes. Current Psychology. 2022;41(3):1472-85.
6. Sarhadi M. Children's and Young Adult Literature: Literature for Children: Hootaran; 2020.
7. Sakhavi L, Ali Madadi M, Mohammadi. A Study of the Magic of Contiguity in Children's Poetry: With Emphasis on the Poems of Naser Keshavarz, Shokouh Ghasemnia, Mohammad Kazem Mozinani, and Niloufar Bahari. Linguistic and Rhetorical Studies. 2021;11(22):219-50.
8. Yazdani H, Zabihnia Omran A, Sabouri NB. Popular Fiction Literature: Roozegar; 2017.
9. Karimi Firoozjaei HA, Ahmadkhani MR, Abbasi N. A Semiotic Analysis of Tajik Children's and Young Adult Stories. Critique of Foreign Language and Literature. 2019;16(22):13-36.
10. Forouzandeh M. Criticism and Analysis of Story Elements in a Selection of Children's Stories. Literary Research. 2009;3(9):151-71.
11. Fouladpour Z. Examples of Manichaeian Story Elements in Iranian Folk Literature: A Comparative Study Based on Parables. Folk Culture and Literature. 2023;9(42):285-314.
12. Jamshidi. Critical Analysis of the Book Ancient Arabic Fiction Literature: Typology and Analysis of Story Elements. Critique of Arabic Language and Literature. 2021;1(1):45-65.
13. Jafari A, Sadeghi Naqd Ali Olya F, Jarideh E. A Study of Story Elements in Nader Ebrahimi's Works of Children's Literature: Payame Noor University, Fars Province, Jahrom Center; 2016.
14. Borges M, Correa CM, Silveira MS. Fundamental Elements and Characteristics for Telling Stories Using Data. Journal on Interactive Systems. 2022;13(1):77-86.